

مراحل شاخص مشاوره مسیحي
مرحله اول: آغاز کار
فصل نهم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله اول

فصل نهم

تکلیف اول

تکالیف خانگی (کاری که متقاضی در هفته آینده باید انجام دهد) مزایای بسیاری را دارند. سرعت زیادی به کار مشاوره می دهند، جریان کار را از اطاق مشاوره به زندگی متقاضی انتقال می دهند، و همچنین او را از تکیه بر شخص مشاور دور می سازند. هر سه، عوامل لازم برای موفقیت مشاوره مسیحی هستند.

وقتی یعقوب می گوید که نشانه ایمان ما به خدا شامل انجام کار هائی است که او می خواهد انجام دهیم، منظورش این نبود که تنها داشتن نیت انجام کار لازم می باشد^(۱)، یا ”دانستن“ آنچه آدم باید انجام بدهد^(۲)، و یا آنکه بتواند کلام خدا را بخوبی به زبان آورد^(۳). البته با وجود آنکه همه این ها مهم هستند، کافی نمی باشند. ایمان تبدیل به کار می شود. کسانی که ”فیض خدا“ را شامل انجام کار نمی شمارند، در اشتباهند. فیض خدا، نهایتاً به کار سر انجام می گردد:

افسیان ۲

۱۰: زیرا ساخته دست خدایم، و در مسیح عیسی آفریده شده ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرد تا در آنها گام برداریم.

توجه کنید: منظور خدا در آفرینش ما انجام کارهای ”نیک“ است. توجه کنید که خدا نمی گوید فکر های نیک یا نیت انجام آن (چون اینها جزئی از آن است و ناگفتنی است). این موضوع را نباید نادیده گرفت. چون با انجام کارهای نیک نجات نمی یابیم، بعضی ها فکر می کنند این نوعی ”شریعت گرایی“ است. اما این برداشت کاملاً ناصحیحی است. قبل از هر چیز نجات است که اتفاق می افتد. ما در نجات کاری جز قبول کردن آن نمی کنیم. اما، پس از نجات، خدا از ما می خواهد ”کارهایی“ که ”خدا از پیش مهیا کرد“، ”در آنها گام برداریم“^(۱).

یوحنا ۱۴

۱۵: «اگر مرا دوست بدارید، احکام مرا نگاه خواهید داشت.

مشاور خواستار تغییراتی است که در انجام کار خود را نشان می دهند. و این یکی از دلائلی است که تکلیف خانگی را می دهید^(۲).

حال ببینیم تکلیف یعنی چه؟ اول آنکه نشانه سرسپردگی متقاضی است که در جریان جلسات مدعی آن می شود. تکالیف اسنادی هستند از اصولی که متقاضی در ایمان پای بند به آن می شود، و بخاطر جلال به خدا تصمیم به انجام آن می گردد. جایی است که حقیقت را بدست می آورد:

تیتوس ۱

۱: از پولس، خادم خدا و رسول عیسی مسیح، در خدمت ایمان برگزیدگان خدا و شناخت آن حقیقت که موجد دینداری است،

متقاضی ممکن است در راهی که می باید برود زمین خورده زخمی بشود، و حتی نهایتاً شکست

نیز بخورد، مانند کسی که تازه می‌خواهد دوچرخه سواری را بیاموزد. اما با فیض خدا استقامت خواهد کرد تا بیاموزد چگونه عادت به نیکوئی را جایگزین گناهان عادت شده نماید. مشاوران این موضوع ها را باید برای متقاضیان باز کنند و کمک کنند آن دوره کارآموزی (ناشی گری) را پشت سر بگذارند تا بتوانند بدون کمک مشاور در راه خدا قدم بردارند.

تکلیف را باید در پایان یکایک جلسات داد. و آن شامل جلسه اول نیز می‌شود. در جلسه اول، مشاور "راه" مشاوره را (استفاده از کلام خدا و انجام کار) نشان می‌دهد. اگر در جلسات اولیه تکلیف داده نشود، متقاضی "راه" را بطور صحیح نخواهد دید. علاوه بر این، عیسی مسیح نیز معمولاً در همان برخورد اول از شاگردانش خواست کاری را انجام دهند. البته شما عیسی مسیح نیستید، اما کلامش را خدمت می‌کنید. بنظر می‌رسد عیسی مسیح فکر می‌کرد تغییر در همان لحظه انجام پذیر هست، و شما نیز چنین باید فکر کنید.

تغییری که می‌خواهید و تکلیفی که در این رابطه می‌دهید، نباید در ابتدا زیاد و مشکل باشند. باید با برداشتی که متقاضی تا آن زمان بدست آورده مطابقت کنند. بعنوان مثال، معمولاً من این تکلیف را به زوج ها می‌دهم: "صورتی (صد یا بیشتر^(۴)) از راههائی که خدا را بعنوان ایماندار، همسر، پدر یا مادر، ناراضی می‌کنید را تهیه کنید. سپس خطی زیر آن بکشید، و به همسر خود بدهید تا آنچه بنظر او باید اضافه شود را نیز یادداشت کند". این نوع تکلیف سودمند واقع می‌شود چون احتمالاً در جلسات آینده به یک یا چند مورد آن تمرکز خواهم کرد. به عبارت دیگر، انبار موضوعاتی خواهد بود که برای بحث و تغییراتی که باید صورت بگیرد مورد استفاده قرار خواهد گرفت. همچنین فرق میان ایمنادرانی که تنها می‌خواهند زندگیشان را تغییر دهند و آنانی که می‌خواهند خدا را خوشنود کنند را نشان خواهد داد. کسانی که می‌خواهند آسایش را بدست آورند، کمتر امکان دارد از خواست های خودشان دوری کنند. خدا تنها آنچه در خواست او هست را برکت خواهد داد. این تکلیف مهمی است که به اکثر متقاضیان می‌دهم.

تکلیف دیگری که به زوج ها می‌دهم آن است که از آنها می‌خواهم در هفته آینده تمرین آموزش ارتباط مسیحی را آغاز کنند. از آنها می‌خواهم میزی را برای گفتگوی خانوادگی، در وقتی که قبلاً به آن اختصاص داده شده در منزلشان انتخاب کنند، و راجع به مسائل و مشکلاتشان دور میز نشسته مشورت کنند. قواعد آن نیز چنین است: کسی کاری جز صحبت کردن نخواهد کرد. اگر کسی مشاجر یا بد اخلاقی کرد (در کلمات استفاده شده یا روحیه ابراز شده)، شخص دیگر باید به پا خیزد اما هیچ حرفی نزنند. منظور این است که با این حرکت نشان خواهد داد که "بنظر من مشورت قطع شده است". آنوقت آنکه قانون شکنی کرده (کسی که باعث قطع مشورت شده) باید بگوید، "خواهش می‌کنم بنشین تا دوباره به مشورتمان ادامه دهیم". هیچ دلیلی برای قطع مشورت نباید داده شود (این قاعده استوار بر آن است که مشورت در مورد مسئله موجود باید با محبت خدا همراه باشد. اگر مشورت همراه عصبانیت شد، ابتدا شخص مقابل بعنوان اعتراض تنها بپا می‌خیزد و در انتظار عکس العمل موافق شخص عصبانی، می‌ایستد. وقتی شخص عصبانی با آرامش (بر عکس) در خواست می‌کند که به مشورت ادامه داده شود، آنگاه شخص مقابل دوباره نشسته و به مشورت ادامه می‌دهد. به این شکل، تمرکز بر مسئله موجود و مشورت در محور آن خواهد بود).

مشاوره خانگی باید توسط شوهر اعلام شده و هدایت شود^(۵). او افسسیان ۴: ۲۹ تا ۳۲ را می‌خواند و سپس از زنش می‌خواهد با دعا جلسه را آغاز کند:

افسیان ۴

۲۹: دهانتان به هیچ سخن بد گشوده نشود، بلکه گفتارتان به تمامی برای بنای دیگران به‌کار آید و نیازی را برآورده، شنندگان را فیض رساند.

۳۰: روح قدّوس خدا را که بدان برای روز رهایی مهر شده‌اید، غمگین مسازید.

۳۱: هر گونه تلخی، خشم، عصبانیت، فریاد، ناسزاگویی و هر نوع بدخواهی را از خود دور کنید.

۳۲: با یکدیگر مهربان و دلسوز باشید و همان‌گونه که خدا شما را در مسیح بخشوده است، شما نیز یکدیگر را ببخشایید.

جلسه نباید بیشتر از نیم ساعت بطول انجامد. نتایج را نیز زن باید یادداشت کند و پس از طبقه بندی موضوع های درج شده به جلسه بعد بی آورد. وقتی مسئله ای از طریق کلام خدا توسط زوج حل نگردید، آنوقت موضوع و دلیل آنکه نتوانستند به توافق برسند را روی کاغذ می نویسند و به جلسه مشاوره مسیحی می آورند.

بعضی مواقع لازم می شود نقش شخص مقابل متقاضی را بعهده گیریم (نقش زن یا شوهر) و آنچه لازم می باشد را بعنوان نمونه بگوئیم یا انجام دهیم تا متقاضی شناختی از آنچه باید بکند را بدست بیاورد. البته بیاد داشته باشید که این راه عملی را به شکل کلی باید بازگو کنید تا متقاضی بداند که شما "نقش" طرف مقابل را بعهده گرفته اید و او است که باید شخصاً آن را انجام دهد. نقش بازی، تنها جنبه آموزش را باید بخود بگیرد. عمده کاری است، که متقاضی انجام خواهد داد.

تکلیف خانگی باید قابل اجرا باشد. نظر به آنکه متقاضی تنها شناخت مختصری از آنچه شما می کنید را دارد، و همچنین با مسائل سخت در تلاش است، سعی کنید تکلیفی را بدهید که به سادگی می توان انجام داد. موفقیت های کوچک اولیه، می توانند تبدیل به تغییر روحیه و رفتار بزرگی بشوند. از کم شروع کنید و بر موفقیت ها بنا کنید:

متی ۲۵

۲۳: سرورش پاسخ داد: "آفرین، ای خادم نیکو و امین! در چیزهای کم امین بودی، پس تو را بر چیزهای بسیار خواهم گماشت. بیا و در شادی ارباب خود شریک شو!"

تکالیف، راهی می باشند تا متقاضیان سرسپردگی که در مشاوره مسیحی بدست می آورده اند را بکار بی اندازند. بعنوان مثال، وقتی متقاضی باید از شخص دیگری درخواست بخشش کند، بخاطر آنکه می خواهد خدا را خوشنود کند آن را انجام می رساند. اما چون مشاوره از جنبه بحث و گفتگو به جنبه عملی کلام در زندگیش رسیده، او شخصاً نتیجه کار مشاوره را خواهد دید (در منزل یا شغل یا هر جای دیگری که تکلیف انجام شده). و پس از انجام آن، چه موفق شد یا نشد، هر دو اهمیت زیادی را خواهند داشت. اگر موفق شد، این موفقیت را باید با انجام تکالیف دیگری تقویت کرد. اما اگر ناموفق بود، او همراه مشاور باید آنچه انجام شده را قدم به قدم تفحص و بررسی کند تا معلوم شود چه باعث ناموفق بودن او شده است. از این طریق، او می تواند از شکست هایش نیز پند گرفته و آنها را تبدیل به پیروزی نماید.

تکالیف ممکن است مسائل زیر بنا را نیز فاش کنند. ممکن است تنبلی، بی نظمی، به تعویق اندازی، ناامیدی، روحیه بد، و غیره را عامل شکست نشان دهد. اینها می توانند اهمیت زیادی داشته باشند و اگر تکلیف به این شکل وجودشان را افشا نمی کرد، مخفی می ماندند.

تکلیف، کار روح القدس را محسوس می سازد، و در رابطه با ازدواج، طریقی برای تشویق زوج

نیز بکار برده می شود. وقتی یار زندگی شخصاً می بیند که طرف مقابل او حقیقتاً سعی می کند کار صحیح را انجام دهد، امید را به او می بخشد. حرف تبدیل به عمل گردیده. معمولاً وقتی کسی سعی خودش را می کند، دیگران او را در این راه یاری و تشویق می کنند، و این نیز کمک به ایجاد تغییر در او خواهد نمود. علاوه بر این، وقتی شخصی تغییر را در خود آغاز می کند، خود را در معرض دید دیگران قرار می دهد، و معمولاً دیگران انتظار انجام دوباره آن را خواهند داشت.

بجای آنکه پس از پایان یک جلسه در انتظار جلسه بعدی نشست، تکالیف خانگی مشاوره را دائمی می کنند - و کار اصلی که شکست الگوهای قدیم گناه آلود و پرورش الگوهای جدید می باشند (در اجرای منظم و مرتب روزانه) توسط روح القدس انجام می گردد. مشاوره در محیطی که تغییر را لازم می دارد (بیرون از جلسه مشاوره)، ادامه پیدا می کند. و این نیز مشاوره را واقعی می سازد. نتیجتاً به هر شکلی که نگاه کنیم، تکلیف جزء مهم مشاوره می باشد. بطوری که عیسی مسیح فرمود:

متی ۷

۲۴: «پس هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل کند، همچون مرد دانایی است که خانه خود را بر سنگ بنا کرد.

۲۵: چون باران بارید و سیلها روان شد و بادهای وزید و بر آن خانه زور آورد، خراب نشد زیرا بنیادش بر سنگ بود.

۲۶: اما هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل نکند، همچون مرد نادانی است که خانه خود را بر شن بنا کرد.

۲۷: چون باران بارید و سیلها روان شد و بادهای وزید و بر آن خانه زور آورد، ویران شد، و ویرانی اش عظیم بود!»

تکلیف راهی است که متقاضی را از حرف به عمل می کشاند و قسمت عمده مشاوره مسیحی را عهده دار می باشد.

فهرست زیر نویس های فصل نهم

- (۱) اگر برای خدا کار های نیکو احمیت نداشت، چرا مقرر فرمود آن ها را انجام دهیم؟ در حقیقت پولس می گوید آنها را نشان داد تا در آنها گام برداریم.
- (۲) شناخت کامل آنچه در پیش است محتوای بیشتری را به آن می دهد.
- (۳) هدفی که خدا برای ما دارد، زندگی خدا گانه است، نه دانشمند شدن.
- (۴) یقیناً وقتی تعداد صد یا بیشتر را می خواهیم، موارد واقعی را دریافت خواهیم کرد. انسان خیال نمی کند تغییر کرده، بلکه در عالم حقیقی زندگی، تغییر را در خود می بیند. و این بخاطر آن است که در عالم خیالی زندگی نمی کند، بلکه در حقیقت خود را می بیند. بعنوان مثال، هیچ کس در حقیقت "باملاحظه" یا "بی ملاحظه" نیست، بلکه آنچه کرده را ما "باملاحظه" یا "بی ملاحظه" می شماریم. تکالیف خانگی همیشه باید تمرکز بر تغییرات واقعی داشته باشند، نه به نامی که به آنها می دهیم.
- (۵) و به این شکل او را مسئول زندگی روحانی خانه خود، که سر آن می باشد، می شماریم.